

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ
مِنَ الْآيَاتِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

احكام روزه
آيت الله العظمى جوادى آملی
(دام ظلّه العالی)

فهرست مطالب

مسائل روزه.....	۷
تعريف.....	۷
اقسام روزه.....	۷
نیت روزه.....	۸
وقت نیت.....	۱۲
روزه يوم الشك.....	۱۴
چيزهايي كه روزه را باطل مي كنند.....	۱۷
يكم. خوردن و آشامیدن.....	۱۷
دوم. آمیزش.....	۱۹
سوم. استمناء.....	۲۱
چهارم. دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ.....	۲۲
پنجم. رسانیدن غبار غلیظ به حلق.....	۲۴
ششم. فرو بردن سر در آب.....	۲۵
هفتم. بقای عمدي بر جنابت.....	۳۰
خواب جُنُب.....	۳۳
هشتم. اِماله کردن.....	۳۶
نُهَم. قِي کردن عمدي.....	۳۶
احكام افطار عمدي و سهوي.....	۳۸
احكام افطار اجباري.....	۴۱
حکم روزه مستحب با فرض روزه واجب.....	۴۲

- ۴۳..... امور مکروه برای روزه‌دار.....
- ۴۴..... قضا و کفّاره.....
- ۴۶..... انواع کفّاره.....
- ۴۹..... مواردی که قضا دارد و کفّاره ندارد و برخی مواردی که قضا هم ندارد.....
- ۵۱..... احکام روزه قضا.....
- ۵۲..... کسانی که روزه بر آنان واجب نیست.....
- ۵۲..... ۱. مسافران.....
- ۵۶..... ۲. بیماران.....
- ۵۷..... ۳. زنان باردار و شیرده.....
- ۵۸..... ۴. کودکان.....
- ۵۸..... ۵. سالخوردهگان.....
- ۵۹..... ۶. دیوانه و بیهوش.....
- ۶۰..... احکام روزه مسافر و بیمار.....
- ۶۰..... آدابی درباره روزه و ماه رمضان.....
- ۶۱..... انکار و جوب روزه و ترک آن.....
- ۶۴..... ثابت شدن اول ماه.....
- ۷۱..... **زکات فطره**.....
- ۷۲..... حلال بودن زکات فطره.....
- ۷۲..... فطره مهمان.....
- ۷۴..... مصرف زکات فطره.....
- ۷۴..... شرایط مصرف کننده.....
- ۷۵..... فطره به سادات.....
- ۷۵..... نیت فطره.....
- ۷۶..... زمان پرداختن زکات فطره.....
- ۷۷..... جابه‌جایی زکات فطره.....
- ۷۷..... زکات فطره نان‌خوران دولت.....

مسائل روزه

تعریف

مسئله ۱. روزه، آن است که انسان، از اذان صبح تا مغرب، عزم مستمر داشته باشد که برای اطاعت خدا از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید و هیچ کدام از آنها را انجام ندهد.

اقسام روزه

مسئله ۲. روزه چهار قسم دارد: روزه واجب؛ روزه مستحب؛ روزه حرام؛ روزه مکروه.

مسئله ۳. روزه واجب، هشت قسم دارد: ۱. روزه ماه مبارک رمضان. ۲. روزه قضای ماه رمضان. ۳. روزه كفاره. ۴. روزه بَدَل قربانی حج واجب. ۵. روزه نذر و عهد و قسم. البته در این

فرض، وفا به نذر و عهد و قسم واجب است؛ نه آنکه خود روزه واجب باشد. ۶. روزه استیجاری و مانند آن؛ مثل روزه مشروط ضمن عقد. ۷. روزه روز سوم اعتکاف. ۸. روزه فوت شده از پدر (نیز به احتیاط واجب از مادر) بر پسر بزرگ.

مسئله ۴. روزه حرام چهار قسم دارد: ۱. روزه عید قربان. ۲. روزه عید فطر. ۳. روزه ایام تشریق برای حجگزار. ۴. روزه گرفتن در شب که بدعت است.

مسئله ۵. روزه گرفتن در هر روز از ایام سال - جز موارد یادشده در مسئله چهارم - صحیح و مستحب است.

نیت روزه

مسئله ۶. نیت روزه، آن است که انسان تصمیم داشته باشد برای انجام دادن فرمان خدا از اول صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می کند، عمداً انجام ندهد. لازم نیست تصمیم یادشده را به تفصیل از دل بگذرانند؛ یا آن را بر زبان آورد، بلکه همین که به صورت اجمال بدانند، کافی است.

مسئله ۷. قصد قربت در نیت روزه، انجام دادن آن به فرمان خداست؛ حتی اگر انگیزه روزه دار خوف از جهنم و شوق به

بهشت باشد، کافی است. قصد ریا و خودنمایی قبل از روزه، مانع تحقق آن است و بعد از تحقق روزه، آن را باطل می‌کند و نمی‌توان قبل از ظهر، تجدید نیت کرد.

مسئله ۸. در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می‌گیرم، بلکه اگر نداند یا فراموش کند یا غفلت کند که ماه رمضان است و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می‌شود.

مسئله ۹. اگر بداند ماه رمضان است و به عمد، نیت روزه غیر ماه رمضان کند، نه از ماه رمضان حساب می‌شود؛ نه روزه‌ای که قصد کرده است، زیرا در ماه رمضان غیر از روزه ماه رمضان واقع نمی‌شود؛ حتی اگر گمان کند که روزه غیر ماه رمضان، در آن ماه صحیح است و سپس متوجه شود که صحیح نیست، نمی‌تواند با تجدید نیت، از روزه دیگر به روزه ماه رمضان عدول کند و هیچ کدام صحیح نیست.

مسئله ۱۰. چنانچه در ماه رمضان نیت روزه قضای رمضان گذشته کند، روزه او نسبت به هر دو رمضان باطل است، زیرا آنچه وظیفه او بوده، نیت نکرده و آنچه نیت کرده، واقع نشده است؛ حتی اگر نذر کند چنانچه در ماه رمضان در سفر باشد،

روزه قضاى رمضان گذشته را بگیرد، نذر و روزه او هردو باطل اند.

مسئله ۱۱. کسی که در غیر ماه رمضان چند نوع روزه، مانند قضا، اجاره، كفاره و نذر، بر عهده دارد و می خواهد بگیرد، باید در نیت معین کند که کدامیک از آنها را قصد کرده است.

مسئله ۱۲. اگر کسی به اجمال بداند روزه واجبى بر عهده اوست، ولی نمی داند روزه قضا یا استیجاری است، چنانچه یک روز به قصد آنچه در ذمه اوست روزه بگیرد، آن واجب ادا می شود.

مسئله ۱۳. در روزه داری، علم تفصیلی به همه آنچه روزه را باطل می کند، لازم نیست و همین که به اجمال، ترک آنها را نیت کند کافی است، بنابراین اگر روزه دار قصد دارد همه مفطرات را ترک کند، ولی عملی که در واقع مُفْطِر است، به گمان او مفطر نیست و قصد کند آن را انجام دهد، تا زمانی که مرتکب آن نشود، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۴. افرادی که برای تشخیص ماه رمضان راهی ندارند - مانند اسیر، زندانی یا نابینای فاقد امکانات و اطلاعات - باید بر اساس گمان خود، یک ماه را رمضان قرار دهند و

همان ماه برای آنان حکم ماه رمضان را خواهد داشت و در این صورت، در نیت، تعیین هم لازم است.

مسئله ۱۵. اگر روزه‌دار در روزه واجب معین - مانند ماه رمضان - قصد کند که نیت روزه را قطع نماید، یا مردّد شود که روزه را ادامه دهد یا نه، روزه‌اش باطل می‌شود. چنانچه پیش از ظهر توبه کند، نمی‌تواند نیت روزه را تجدید کند و فرقی هم بین نیت قطع کنونی یا آینده نیست؛ ولی باید تا مغرب به رسم ادب امساک نماید و پس از ماه رمضان قضا کند. این حکم برای کسی که در بین روز، انجام دادن یکی از مفطرات را - که به آن نیت قاطع گویند - قصد نماید، بار می‌شود، اگرچه آن را انجام ندهد، چون در نهادش قصد ترک روزه کرده و داعی برای روزه ندارد؛ ولی کفاره ندارد، چون کفاره متوقف بر تحقق افطار عمدی است و تنها با قصد چیزی که روزه را باطل می‌کند، کفاره واجب نمی‌شود.

مسئله ۱۶. اگر در طول روز ماه رمضان، نیت روزه نکرد و تا غروب هم چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام نداد، یا بدون نیت روزه خوابید و تمام روز را خواب ماند، در این صورت‌ها، هرچند مفطری انجام نداده؛ ولی روزه نداشته و قضا دارد، چون این امساک و ترک مفطرات به قصد روزه نبوده است و اگر عمداً

چیزی بخورد، کفاره هم بر او واجب می‌شود.

وقت نیت

مسئله ۱۷. وقت اختیاری نیت روزه واجب معین - مثل ماه رمضان و نذر معین - تا پیش از اذان صبح است، به گونه‌ای که آغاز روزه از طلوع فجر، با نیت همراه باشد و برای حصول اطمینان، مقداری پیش از طلوع صبح یا از هنگام شب، نیت روزه کند و از اذان صبح تأخیر نیندازد که تأخیر از آن جایز نیست.

مسئله ۱۸. اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر متوجه شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است و اگر مُفطری انجام داده، یا بعد از ظهر متوجه شود که ماه رمضان است، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی باید تا مغرب از کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید.

مسئله ۱۹. اقوا آن است که انسان در هر شب از ماه رمضان، برای روزه فردای آن، نیت کند و اگرچه از آغاز ماه، نیت روزه همه ماه را نموده و آن را به صورت استمراری داشته باشد، صحیح است. در روزه غیر ماه رمضان - مانند روزه کفاره،

نذر یا بدل هدی - هم باید برای هر روز به صورت جداگانه نیت کند و اگر بنا دارد مثلاً یک هفته روزه بگیرد، چنانچه در آغاز آن، نیت همه آن ایام را نموده و آن قصد را به صورت پیاپی داشته باشد، کافی است.

مسئله ۲۰. در روزه واجبی که وقت آن معین نیست - همچون روزه قضا، كفاره و نذر مطلق)، وقت اختیاری و اضطراری نیت، تا اول ظهر است، بنابراین کسی که نیت کرده روزه واجب غیرمعینی - مثل قضا یا كفاره - بگیرد و سپس منصرف شود و قصد افطار کند و بدون آنکه مفطری انجام دهد، دوباره تصمیم بر روزه بگیرد، می تواند پیش از ظهر دوباره نیت کند و روزه او صحیح است، مگر اینکه قصد ریا کرده باشد که قابل اصلاح نبوده و تجدید نیت اثری ندارد.

مسئله ۲۱. وقت نیت روزه مستحبی از آغاز شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن، به مغرب مانده باشد، بنابراین اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و در آن زمان، نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است.

مسئله ۲۲. اگر کسی نذر کرده که روز معینی روزه بگیرد و آن را فراموش کند و پیش از ظهر متوجه شود، چنانچه کاری که

روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت کند، روزه او صحیح است؛ وگرنه باطل است.

مسئله ۲۳. کسی که روز خاصی را نذر روزه کرده و در آن روز بدون نیت نذر، روزه گرفته، روزه او برای نیتی که کرده صحیح است؛ اما برای نذر او کافی نیست.

مسئله ۲۴. عدول و تغییر نیت از روزه‌ای به روزه دیگر درست نیست؛ چه هر دو واجب، یا هر دو مستحب، یا یکی واجب و دیگری مستحب باشد.

روزه یوم الشک

مسئله ۲۵. یوم الشک، روزی است که انسان شک دارد آخر شعبان است، یا اول رمضان؛ یا شک دارد آخر رمضان است، یا اول شوال. در یوم الشکِ آخر رمضان، روزه گرفتن واجب است؛ ولی اگر اثبات شود که اول شوال است - گرچه چند لحظه نزدیک مغرب باشد - واجب است افطار کند.

مسئله ۲۶. در یوم الشکِ آخر شعبان، روزه گرفتن واجب نیست، بلکه مستحب است و اگر بخواهد روزه بگیرد، نمی‌تواند نیت روزه ماه رمضان کند. چنانچه روزه ماه شعبان یا قضا یا

مطلق روزه و مانند آن را نیت کند و در بین روزه- پیش از ظهر یا بعد از ظهر- معلوم شود که ماه رمضان است، باید روزه ماه رمضان را نیت کند و اگر بعد از آن روز معلوم شود ماه رمضان بوده، از ماه رمضان حساب می شود.

مسئله ۲۷. اگر در یوم الشک قصد روزه نداشت و پیش از ظهر معلوم شد که اول ماه رمضان است، نه آخر شعبان، چنانچه چیزی که روزه را باطل می کند انجام نداده است، باید نیت روزه ماه رمضان کند و روزه او صحیح است و قضا ندارد و اگر چیزی که روزه را باطل می کند انجام داده، یا بعد از ظهر متوجه شده است، نمی تواند نیت روزه ماه رمضان کند، بلکه باید قضای آن روز را بگیرد؛ ولی باید به رسم ادب تا مغرب، از انجام دادن چیزی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید.

مسئله ۲۸. اگر در یوم الشک، در اصل نیت روزه تردید داشته باشد و این گونه نیت کند که «اگر امروز ماه رمضان است، روزه واجب رمضان را نیت می کنم و اگر از ماه شعبان است، روزه دیگر می گیرم» این روزه باطل است؛ ولی چنانچه در اصل نیت روزه تردید ندارد، بلکه در خصوصیت روزه مردد است که آیا واجب است یا مستحب، در این صورت اگر به

قصد مافی الذمه روزه بگیرد، صحیح است.

مسئله ۲۹. اگر در یوم الشک، به نیت استحباب یا وجوب روزه بگیرد و با ریا روزه خود را فاسد کند و سپس معلوم شود که ماه رمضان است، هر چند پیش از ظهر معلوم شود، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی تا مغرب باید از چیزی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید.

مسئله ۳۰. اگر در یوم الشک به قصد واجب معین [غیر رمضان] روزه بگیرد و از روی نافرمانی قصد افطار کند و پیش از ظهر پشیمان شود و سپس معلوم شود که رمضان است، بنا بر اقوا واجب است که روزه را به قصد رمضان اتمام کند و بنا بر احتیاط، قضای آن را بگیرد.

مسئله ۳۱. اگر در یوم الشک به نیت شعبان روزه بگیرد و به اشتباه، چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و سپس معلوم شود که ماه رمضان بوده، روزه او به عنوان ماه رمضان صحیح است؛ همچنین اگر پس از معلوم شدن ماه رمضان به اشتباه، مفطری انجام دهد، روزه او صحیح است.

چیزهایی که روزه را باطل می‌کنند

مسئله ۳۲. چند چیز روزه را باطل می‌کند: ۱ و ۲. خوردن و آشامیدن. ۳. آمیزش. ۴. استمناء. ۵. دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ و ائمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، همچنین پیامبران و حضرت فاطمه زهرا(س). ۶. رسانیدن غبار غلیظ به حلق. ۷. فرو بردن سر در آب. ۸. بقای عمدی بر جنابت. ۹. اِماله کردن. ۱۰. قی نمودن عمدی.

یکم. خوردن و آشامیدن

مسئله ۳۳. اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود؛ چه آن چیز خوراکی باشد؛ یا غیرخوراکی - مثل خاک - و چه کم باشد یا بسیار؛ حتی اگر از راه غیر متعارف به حلق برسد - مثل شرب از راه بینی یا دیگر منافذ سر - روزه را باطل می‌کند. معیار، صدق اکل و شرب است، به گونه‌ای که به بخش پایانی حلق که وصل به جوف است، برسد.

مسئله ۳۴. اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است، با علم و عمد فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود؛ ولی اگر بی‌اختیار

یا از روی فراموشی به حلق فرو رود، روزه باطل نمی‌شود.

مسئله ۳۵. کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان صبح دندان‌هایش را خلال کند؛ ولی اگر بداند غذای لای دندان در روز بیرون می‌آید و به حلق فرو می‌رود، خلال کردن آن واجب است و اگر عمداً به این واجب عمل نکرد و در بین روز به حلق فرو رفت، روزه باطل می‌شود و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد؛ همچنین اگر به حلق فرو نرود، روزه او باطل است و قضا دارد، چون اخلاص به نیت کرده است.

مسئله ۳۶. فرو بردن آب دهانی که با اختیار یا بی‌اختیار در دهان جمع شده، گرچه بسیار و ترش مزه باشد، روزه را باطل نمی‌کند، اگرچه احتیاط در اجتناب از فرو بردن آن است.

مسئله ۳۷. بلعیدن خلط سر و سینه برای روزه‌دار، تا وقتی که به فضای دهان نرسد، روزه را باطل نمی‌کند و احتیاط واجب، آن است زمانی که به فضای دهان رسید، از فرو بردن آن به حلق خودداری کند؛ ولی چون مُبطل بودن آن قطعی نیست، اگر فرو رود، روزه او صحیح است.

مسئله ۳۸. اگر روزه‌دار مسواک آغشته به آب دهان را بیرون بیاورد و دوباره در دهان بگذارد و رطوبتش در آب دهان مستهلک شود، روزه او صحیح است؛ ولی اگر در آب دهان

مستهلك نشود و آن را فرو ببرد، روزه را باطل می‌کند.
مسئله ۳۹. با جویدن آدامس، اگر ذرات آن در آب دهان
 متفرق و مخلوط شود و همراه با آب دهان به حلق فرو رود، روزه
 باطل می‌شود.
مسئله ۴۰. اگر روزه‌دار فراموش کند که روزه است و چیزی
 بخورد، روزه او باطل نمی‌شود.

دوم. آمیزش

مسئله ۴۱. اگر روزه‌دار در روز، با عمد و اختیار آمیزش کند،
 یعنی هر عملی که ایجاد جنابت می‌کند، انجام دهد، روزه او
 باطل می‌شود و قضا و کفاره دارد؛ چه از پیش رو باشد یا از
 پشت؛ با همسر باشد یا غیر آن؛ با زنده باشد یا مرده؛ با انسان
 باشد یا حیوان.

مسئله ۴۲. ملاک باطل شدن روزه به آمیزش، جنابت است
 و جنابت یا به دخول به مقدار ختنه‌گاه است - اگرچه منی هم
 بیرون نیاید - یا به بیرون آمدن منی است، هرچند دخول، کمتر
 از این مقدار باشد؛ اما اگر کمتر از مقدار ختنه‌گاه داخل شود و
 منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی‌شود. اگر شک کند که به

اندازه ختنه‌گاه داخل شده یا نه، روزه او صحیح است.

مسئله ۴۳. اگر روزه‌دار با جهل به مسئله، با همسر خود به خیال اینکه حلال است، آمیزش کند، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۴۴. اگر روزه‌دار فراموش کند که روزه است و مشغول آمیزش شود، یا او را اجبار و اکراه به آمیزش کنند، روزه او باطل نمی‌شود و اگر یادش بیاید که روزه است، یا اجبار و اکراه از او برداشته شود، باید فوری دست از آمیزش بردارد و اگر آن را ادامه دهد، روزه او باطل می‌شود.

مسئله ۴۵. اگر اجبار کننده، روزه‌داری را مخیر کند بین آمیزش و خسارت مالی، ولی روزه‌دار آمیزش را اختیار کند، روزه او باطل است و قضا دارد؛ اما کفاره ندارد.

مسئله ۴۶. اگر روزه‌دار با همسرش بازی کند و شک کند که دخول شده یا نه، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۴۷. اگر روزه‌دار اراده آمیزش کند، چه قصد بیرون آمدن منی را داشته باشد یا نه، روزه او باطل می‌شود.

مسئله ۴۸. آمیزش در شب، تا زمانی که برای تطهیر و غسل

پیش از اذان صبح وقت باشد، جایز است.

سوم. استمناء

مسئله ۴۹. اگر روزه‌دار، به قصد بیرون آمدن منی کاری کند که معمولاً سبب بیرون آمدن منی است و منی از او بیرون آید، روزه او باطل می‌شود و قضا و کفاره دارد.

مسئله ۵۰. اگر روزه‌دار بدون قصد بیرون آمدن منی، عملی انجام دهد که عادتاً سبب بیرون آمدن منی است و منی هم بیرون آید، روزه او باطل می‌شود و فقط قضا دارد.

مسئله ۵۱. اگر روزه‌دار به قصد بیرون آمدن منی، کاری انجام دهد که عادتاً مایه بیرون آمدن منی نیست، ولی اتفاقاً منی بیرون آید، روزه او باطل می‌شود و فقط قضا دارد.

مسئله ۵۲. جُنُب شدن در حال خواب، روزه را باطل نمی‌کند، بنابراین چنانچه روزه‌دار بداند که اگر در روز بخوابد، در خواب منی از او بیرون می‌آید، خوابیدن او جایز است و اگر بخوابد و منی از او بیرون آید، روزه او صحیح است.

مسئله ۵۳. اگر روزه‌دار در وقت بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، لازم نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند و روزه

او باطل نمی‌شود.

مسئله ۵۴. بنا بر اقواء، روزه‌دار پس از احتلام و غسل جنابت، می‌تواند استبراء کند و اگر منی هم خارج شود، روزه او باطل نمی‌شود، هرچند باید دوباره غسل کند.

چهارم. دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ

مسئله ۵۵. اگر روزه‌دار به گفتن، نوشتن، پُر کردن نواری که دیگران می‌شنوند، به اشاره، کنایه و مانند این‌ها به خدا و پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام، به عمد نسبت دروغ بدهد، گناه کرده و روزه او باطل است، هرچند فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند؛ و به احتیاط واجب، نسبت دروغ به حضرت زهرا علیها‌السلام و پیامبران دیگر نیز همین حکم را دارد. این حکم اختصاص به روزه واجب ندارد، بلکه در روزه مستحب نیز چنین است.

مسئله ۵۶. اگر کسی در غیر وقت روزه دروغی بگوید و سپس در حال روزه بگوید آن خبری که گفته بودم راست است، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسئله ۵۷. اگر روزه‌دار خبری را که به دروغ بودنش گمان

دارد، به خدا و پیامبر ﷺ نسبت دهد، مرتکب حرام شده است؛ ولی اگر آن را از دیگری یا نوشته‌ای یا بدون استناد به آن‌ها حکایت کند، روزه او باطل نمی‌شود، هرچند احتیاط مستحب در صورت نقل بدون استناد، بطلان روزه است.

مسئله ۵۸. دروغ بستن به مجتهدان و راویان حدیث حرام است؛ ولی روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه نسبت دروغ به خدا و رسول خدا ﷺ محسوب شود.

مسئله ۵۹. اگر روزه‌دار مضطر به دروغ به خدا و رسول خدا ﷺ شود این دروغ روزه را باطل نمی‌کند.

مسئله ۶۰. چنانچه روزه‌دار بداند که دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ روزه را باطل می‌کند و از اول قصد دروغ دارد و خبری را به عنوان دروغ انتخاب کند و به آنان نسبت دهد و سپس بفهمد آنچه گفته راست بوده، روزه‌اش باطل می‌شود، چون نیت «قاطع» کرده است؛ ولی اگر از اول بنا دارد مطلب خاصی را گزارش کند که برای او مهم است و قصد دروغ بستن به آنان را ندارد، ولی مطلبی را که می‌پندارد دروغ است، به آنان نسبت دهد و سپس بفهمد آنچه را که گفته راست بوده، روزه‌اش باطل نمی‌شود، چون نیت قاطع ندارد، بلکه خطای در تطبیق

است، هر چند احتیاط مستحب آن است که آن روزه را قضا کند.

مسئله ۶۱. اگر روزه‌دار چیزی را به اعتقاد اینکه راست است، از قول خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کند و سپس بفهمد دروغ بوده، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۶۲. اگر روزه‌دار به شوخی دروغی را به خدا یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دهد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

پنجم. رسانیدن غبار غلیظ به حلق

مسئله ۶۳. رسانیدن غبار غلیظ به حلق، به احتیاط واجب، روزه را باطل می‌کند؛ چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است؛ مثل آرد؛ یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است؛ مانند خاک.

مسئله ۶۴. اگر غبار غلیظ به غفلت یا از روی فراموشی به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند.

مسئله ۶۵. به احتیاط واجب، استعمال تن و سیگار روزه را باطل می‌کند. معیار در باطل کردن آن، صدق عنوان شرب (نوشیدن) بر آن است و عرب امروز، کشیدن سیگار و دخانیات

را از مصادیق شرب می‌داند.

مسئله ۶۶. بخار غلیظ روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه در فضای دهان به نم یا قطره آبی تبدیل شود و به حلق فرو رود.

ششم. فرو بردن سر در آب

مسئله ۶۷. فرو بردن عمدی سر در آب، به گونه‌ای که تمام سر یکدفعه زیر آب باشد، روزه را باطل می‌کند، گرچه بدن یا موهای سر بیرون آب باشد. این کار، علاوه بر قضای روزه، کفاره هم دارد.

مسئله ۶۸. اگر روزه‌دار یک بار نصف سر را در آب فرو برد و بیرون بیاورد و بار دیگر نصف دیگر سر را در آب فرو برد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۶۹. اگر روزه‌دار فقط نیمه جلوی سر را - که شامل گوش، چشم، بینی و دهان است - در آب فرو برد و بقیه سر در بیرون آب باشد، روزه‌اش باطل نمی‌شود؛ ولی احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسئله ۷۰. اگر روزه‌دار تمام سر را زیر آبشار پُرآب به گونه‌ای بگیرد که آب تمام سر را فراگیرد، روزه‌اش باطل

می شود.

مسئله ۷۱. اگر روزه‌دار تمام سر را با پارچه، نایلون، قیر و مشابه آن بپیچد و همه سر را در آب فرو ببرد، روزه او باطل می شود.

مسئله ۷۲. اگر روزه‌دار به گونه‌ای سرش را در محفظه شیشه‌ای یا کلاهک غواصی قرار دهد که آب با سر او در تماس نباشد و بتواند نفس بکشد، روزه او باطل نمی شود.

مسئله ۷۳. اگر روزه‌دار با سوار شدن در زیردریایی به عمق آب برود، روزه او صحیح است.

مسئله ۷۴. اگر روزه‌دار تمام سر را در غیر آب، نظیر مایعات دیگری مثل برف، گل، آب میوه، آب مضاف و مانند آن فرو برد، روزه اش باطل نمی شود. مایعی که معلوم نیست آب است یا نه، همین حکم را دارد؛ یعنی سر فرو بردن در آن، روزه را باطل نمی کند.

مسئله ۷۵. روزه‌داری که دو نوع مایع آب و غیر آب در اختیار دارد و معلوم نیست کدام آب است، اگر سر را در هر دو فرو برد، روزه او باطل می شود و با فرو بردن سر در یکی از آن

دو، مرتکب حرام شده و این کار به احتیاط واجب قضا دارد؛ ولی کفّاره ندارد.

مسئله ۷۶. اگر روزه‌دار با اطمینان به اینکه سرش در آب فرو نمی‌رود، خود را به آب اندازد و تمام سرش را آب فرا گیرد، روزه‌اش باطل نمی‌شود و باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

مسئله ۷۷. اگر روزه‌دار بی‌اختیار، یا به غفلت، یا فراموشی، یا بر اثر لغزیدن و مانند آن، سرش در آب فرو رود و در آن حال متوجه شود و فوراً سر از آب بیرون آورد، روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۷۸. اگر روزه‌دار برای نجات غریق‌ی به عمد سر در آب فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود، هرچند نجات جان مسلمان بر او واجب باشد و روزه او قضا دارد؛ ولی کفّاره ندارد.

مسئله ۷۹. اگر روزه‌دار برای باطل کردن روزه خود به خسارتی تهدید شده و مجبور شود که سر را در آب فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود و قضا دارد؛ ولی کفّاره ندارد.

مسئله ۸۰. اگر فراموش کند، یا غفلت کند که روزه است و به نیت غسل، سر در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است.

مسئله ۸۱. اگر روزه‌دار نداند که سر فرو بردن در آب روزه را باطل می‌کند و به عمد سر خود را در آب فرو برد، روزه او باطل

است و در این مسئله فرقی میان علم به حکم و جهل به آن نیست.

مسئله ۸۲. اگر بدانند که روزه است و به عمد برای غسل کردن سر در آب فرو برد، روزه او باطل است؛ چه روزه ماه رمضان باشد؛ یا روزه واجب دیگر که وقت وسیع داشته باشد؛ و چه روزه مستحب؛ ولی در روزه ماه رمضان باید در مانده روز، به رسم ادب از انجام دادن مفطر خودداری کند و روزه را هم قضا کند؛ اما غسل او در صورتی که در هر دو حال فرو رفتن در آب و مکث در آن، نیت غسل کند، باطل است و اگر در زیر آب توبه کرده و در حال بیرون آمدن از آب نیت غسل کند، صحیح است.

مسئله ۸۳. اگر روزه‌دار در روزه ماه رمضان - همچنین در روزه قضای رمضان در بعد از ظهر- جُنُب شود و رفع جنابت او منحصر به غسل ارتماسی باشد، باید به جای غسل تیمم کند و اگر در روزه مستحب یا روزه قضای رمضان در وسعت وقت و پیش از ظهر چنین شرایطی پیش آید، باید روزه را مثلاً با غسل ارتماسی باطل کند.

مسئله ۸۴. اگر روزه‌دار با توجه به روزه‌دار بودن و علم به

غصبی بودن آب، برای غسل کردن سر در آب فرو برد، روزه و غسل او باطل است؛ چه روزه واجب باشد؛ یا مستحب.

مسئله ۸۵. اگر روزه‌دار در روزه ماه رمضان، یا قضای آن در تنگی وقت، یا روزه نذر معین، با توجه به روزه‌دار بودن و بدون علم به غصبی بودن آب، برای غسل کردن سر در آب فرو برد، روزه و غسل او باطل است، ولی اگر در روزه مستحبی یا واجب وقت دار - مانند قضای رمضان در پیش از ظهر - چنین کند، روزه او باطل، ولی غسل او صحیح است.

مسئله ۸۶. اگر روزه‌دار بداند این آب غصبی است، ولی از روزه‌دار بودنش غافل باشد و برای غسل کردن سر در آب فرو برد، غسل او باطل؛ ولی روزه او صحیح است.

مسئله ۸۷. اگر روزه‌دار با فرض اینکه قبلاً می‌دانست روزه دارد و نیز می‌دانست آب غصبی است، ولی اکنون هر دو مطلب را فراموش کرده و برای غسل کردن سر در آب فرو برد، روزه او صحیح است؛ ولی غسل او در صورتی که غاصب آب، خودش بوده، باطل است و اگر غاصب شخص دیگری بوده، غسل او صحیح است.

مسئله ۸۸. اگر روزه‌دار به نیت غسل ارتماسی وارد آب

استخر یا دریا شده و شک دارد تمام سر در آب فرو رفته یا نه، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

هفتم. بقای عمدی بر جنابت

مسئله ۸۹. اگر جُنُب در شب ماه رمضان به عمد تا طلوع فجر غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم نکند، روزه او باطل است و قضا و کفاره دارد. در آن روز هم به رسم ادب از انجام دادن کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید.

مسئله ۹۰. اگر جُنُب در روزه قضای ماه رمضان به عمد تا طلوع فجر جُنُب بماند، نمی‌تواند روزه بگیرد؛ ولی در دیگر روزه‌های واجب و مستحب، اگر به عمد تا طلوع صبح جنب بماند، می‌تواند روزه بگیرد، بنابراین تا زمان نیت کردن - در اثنای روزه - اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، می‌تواند نیت روزه کند، پس در روزه واجب غیر ماه رمضان و قضای آن - چه معین باشد، مثل نذر معین، یا غیر معین باشد، مثل روزه کفاره - اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، می‌تواند پیش از ظهر، غسل و نیت روزه کند و در روزه مستحب نیز می‌تواند پس از غسل، نیت روزه کند،

هرچند بعد از ظهر باشد.

مسئله ۹۱. کسی که جُنُب است و نمی‌تواند آب تهیه کند، یا مصرف آب برای او ضرر دارد، وظیفه وی تیمم است، پس اگر تیمم کند و بخوابد، روزه او صحیح است.

مسئله ۹۲. کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ‌یک از غسل و تیمم وقت ندارد، نباید خود را جُنُب کند و اگر خود را جُنُب کرد، روزه او باطل است و قضا و کفاره دارد و در آن روز هم باید به رسم ادب امساک کند و اگر فقط برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جُنُب کند، با تیمم روزه او صحیح است؛ ولی گناهکار است.

مسئله ۹۳. اگر به گمان اینکه وقت دارد خود را جنب کند و سپس مشخص شود که برای هیچ‌یک از غسل و تیمم وقت نداشت، در این صورت، اگر پس از جست‌وجوی بر اینکه هنوز وقت باقی است، خود را جنب کرده، روزه اش صحیح است. در صورت عدم جست‌وجو هم، به احتیاط استحبابی قضا دارد.

مسئله ۹۴. جُنُبی که در ماه رمضان قصد دارد روزه بگیرد و غسل جنابت را فراموش کند و پس از طلوع فجر یادش بیاید، روزه آن روز او صحیح است؛ ولی اگر پس از یک یا چند روز

متوجه شود، روزه‌های او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۹۵. اگر جُنُب در ماه رمضان، با جهل به جنابت، چند روز روزه گرفت و سپس متوجه شد، روزه‌های او صحیح است.

مسئله ۹۶. اگر در ماه رمضان پس از طلوع فجر متوجه شود که محتمل شده است، روزه او صحیح است؛ چه بداند که پیش از طلوع فجر محتمل شده؛ یا پس از آن؛ یا شک داشته باشد که احتلام او پیش از طلوع فجر بوده؛ یا پس از آن، و واجب نیست فوراً غسل کند، چون طهارت شرط همراه روزه نیست و جنابت غیراختیاری نیز مانع روزه نیست؛ فقط بقای عمدی بر جنابت تا طلوع صبح، مانع روزه است که در اینجا نیست. البته برای نماز باید غسل کند.

مسئله ۹۷. اگر جُنُب در ماه رمضان شک دارد که غسل جنابت کرده یا نه، تعداد روزه‌هایی را که یقین دارد جنب بوده، باید قضا کند.

مسئله ۹۸. اگر در روزه قضای ماه رمضان پس از طلوع فجر متوجه شود که محتمل شده است، چنانچه بداند پس از طلوع

صبح محتمل شده، یا در آن شک داشته باشد، روزه او صحیح است؛ ولی اگر بداند پیش از طلوع فجر محتمل شده، در وسعت وقت، روزه او باطل است، چون طهارت در طلوع صبح، شرط صحت روزه قضای ماه رمضان است و در تنگی وقت، باید آن روز را روزه بگیرد و به احتیاط، بعد از ماه رمضان نیز یک روز دیگر روزه بگیرد.

مسئله ۹۹. اگر جُنُب در روزه قضای ماه رمضان غسل را فراموش کند و در حال جنابت روزه بگیرد، روزه او باطل است.

مسئله ۱۰۰. اگر جُنُب یا زن حیض و زایمان کرده در شب ماه رمضان، شرایط هیچ‌یک از غسل و تیمم را نداشته باشد و نتواند آن‌ها را انجام دهد، فاقد طَهْوَرِّین است و روزه او صحیح است. در دیگر روزه‌های واجب و مستحب نیز می‌تواند روزه بگیرد؛ ولی در روزه قضای ماه رمضان نمی‌تواند روزه بگیرد.

خواب جُنُب

مسئله ۱۰۱. چنانچه جُنُب در شب ماه رمضان می‌داند که اگر بخوابد برای غسل بیدار می‌شود و بخوابد و پس از طلوع فجر بیدار شود، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۰۲. اگر جُنُب در شب ماه رمضان می‌داند که

بخوابد برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و چنانچه خوابید و بیدار نشد، روزه او باطل است و قضا دارد و در آن روز باید به رسم ادب، از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید.

مسئله ۱۰۳. اگر جنب در شب ماه رمضان با تصمیم بر روزه و غفلت از غسل یا از جنابت بخوابد و پس از طلوع فجر بیدار شود، باید روزه را قضا کند؛ ولی کفاره ندارد، هرچند این خواب و بیداری در این حالت تکرار شود.

مسئله ۱۰۴. اگر جنب، در ماه رمضان بدون قصد غسل جنابت، یا با تردید در آن بخوابد و پس از طلوع فجر بیدار شود، روزه او باطل است و قضا و کفاره دارد.

مسئله ۱۰۵. اگر جنب، در ماه رمضان نمی‌داند که بخوابد برای غسل بیدار می‌شود یا نه، چنانچه قصد غسل را داشته باشد، می‌تواند بخوابد. اگر یک بار بخوابد و پس از طلوع فجر بیدار شود، روزه او صحیح است. اگر از خواب اول بیدار شود و بار دوم یا سوم یا بیشتر بخوابد و پس از طلوع فجر بیدار شود، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد. روزه‌های واجب غیر رمضان و روزه مستحب این احکام را ندارند.

مسئله ۱۰۶. جنبی که در شب ماه رمضان چند بار خوابید و بیدار شد، اگر در تعداد خواب شک دارد، حکم اقل تعداد

بیدار شد، اگر در تعداد خواب شک دارد، حکم اقلّ تعداد خوابیدن را دارد.

مسئله ۱۰۷. زن حائض یا زایمان کرده، اگر پیش از طلوع فجر پاک شود و به عمد یا با سهل انگاری، غسل یا تیمم نکند، روزه اش باطل است و قضا دارد.

مسئله ۱۰۸. زن حائض یا زایمان کرده، اگر هنگام طلوع فجر پاک شود و برای هیچ یک از غسل و تیمم وقت نداشته باشد و نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۰۹. احکامی که برای خوابیدن شخص جنب در شب ماه رمضان است، برای زن حائض و زایمان کرده نیست.

مسئله ۱۱۰. اگر زن پس از طلوع فجر از خون حیض و زایمان پاک شود، یا در بین روز خون حیض و زایمان ببیند، هرچند نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است و قضا دارد.

مسئله ۱۱۱. زن مستحاضه، اگر به وظیفه استحاضه عمل کند، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۱۲. دست زدن روزه دار به بدن میت جایز است و اگر به عمد غسل مس میت نکند، روزه او باطل نمی شود.

هشتم. اماله کردن

مسئله ۱۱۳. اماله کردن با چیز روان، اگرچه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد؛ اما شیاف با چیز جامد، روزه را باطل نمی‌کند.

مسئله ۱۱۴. چیزی را که نمی‌داند مایع یا جامد است، اماله کردن با آن جایز است؛ ولی به احتیاط مستحب، آن را ترک کند.

مسئله ۱۱۵. استعمال شیاف جامدی که برای لذت بردن یا تغذیه به کار می‌رود، مثل تریاک و مانند آن، احتیاط واجب ترک آن است؛ ولی روزه با آن باطل نمی‌شود.

نهم. قی کردن عمدی

مسئله ۱۱۶. قی کردن عمدی، روزه را باطل می‌کند.

مسئله ۱۱۷. اگر چیزی مانند هسته میوه از حلق خارج شود و قی کردن عمدی بر آن صدق نکند، روزه باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۱۸. اگر در شب ماه رمضان چیزی بخورد که می‌داند در روز باید آن را قی کند، چنانچه آن را بخورد و در روز با اختیار قی کند، روزه او باطل می‌شود و قضا دارد؛ ولی اگر

بی اختیار قی کند، به احتیاط واجب قضا دارد و در هر دو صورت، به رسم ادب باید تا مغرب چیزی نخورد.

مسئله ۱۱۹. اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او حرج یا ضرری نباشد، باید خودداری کند؛ وگرنه روزه او باطل می‌شود و قضا دارد و اگر حرج یا ضرری باشد، می‌تواند قی کند و روزه آن روز قضا دارد.

مسئله ۱۲۰. اگر روزه‌دار، پس از بردن غذا به دهان و پیش از رسیدن آن به حلق، متوجه شود که روزه است، واجب است غذا را برگرداند؛ ولی اگر پس از فرو بردن غذا به حلق - که خوردن به آن صدق نمی‌کند - متوجه شود که روزه است، چنانچه برگرداندن آن ممکن باشد، چون قی کردن بر او صدق نمی‌کند، باید آن را برگرداند و روزه او صحیح است.

مسئله ۱۲۱. اگر با آروغ زدن، چیزی از حلق روزه‌دار به دهانش آید و به عمد آن را فرو برد، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره دارد؛ گرچه مایه تنفر باشد، کفاره جمع ندارد.

مسئله ۱۲۲. اگر حشره‌ای - مانند مگس - ، به گلوی روزه‌دار برود، چنانچه بدون قی کردن، بتواند آن را بیرون آورد،

واجب است چنین کند و روزه او صحیح است و اگر نتواند، چنانچه نگهداشتن آن، حرج یا ضرر جانی غیر قابل تحمل دارد، باید قی کند و روزه او باطل است و قضا دارد.

مسئله ۱۲۳. اگر روزه‌دار در روزه واجب معینی - مثل روزه ماه رمضان - در حال نماز باشد و خردۀ غذا یا حشره‌ای بی‌اختیار به گلوی او برود که قابل بازگرداندن است؛ ولی نمی‌تواند تا پایان نماز آن را نگه دارد و برای بیرون انداختن آن، ناچار به تکلم به آخر است - که نماز را باطل می‌کند - چنانچه وقت برای نماز، حتی با ادراک یک رکعت باقی است، باید با قطع نماز، آن چیز را بیرون اندازد و روزه را ادامه دهد؛ اما در ضیق وقت، مخیر بین باطل کردن نماز و قضای آن، یا باطل کردن روزه و قضای آن است.

احکام افطار عمدی و سهوی

مسئله ۱۲۴. اگر انسان به عمد و اختیار، کاری را که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد، روزه او باطل می‌شود و چنانچه عمدی نباشد، روزه باطل نمی‌شود؛ ولی بقای بر جنابت، در سه مورد روزه را باطل می‌کند، هرچند عمدی نباشد: ۱. غسل

جنابت را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید. ۲. بقای بر جنابت در خواب دوم به بعد. ۳. بقای بر جنابت تا اذان صبح، در روزه قضای ماه رمضان.

مسئله ۱۲۵. اگر روزه‌دار برای وضوگرفتن آب در دهان بریزد و مضمضه کند و مقداری آب به حلق فرو رود، روزه او صحیح است و قضا ندارد.

مسئله ۱۲۶. روزه‌دار می‌تواند برای ادراک مزه غذا، آن را مزه کند و سپس بیرون بریزد و اگر سهواً آن را بخورد، روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۱۲۷. اگر روزه‌دار علم دارد با مضمضه کردن آب در دهان، آب از حلقش فرو می‌رود، جایز نیست مضمضه کند؛ ولی چنانچه برای وضو مضمضه کند یا پس از کشیدن دندان و خونی شدن آن، دهان‌شویی کند، اشکالی ندارد و اگر در این حال مقداری از آب از حلق فرو رود، روزه او باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۲۸. اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد و در صحت روزه مردّد شود، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۲۹. اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهای باطل‌کننده روزه را انجام دهد و به گمان اینکه روزه او باطل شده، دوباره یکی از آن‌ها را از روی عمد انجام دهد، روزه او باطل می‌شود و قضا دارد.

مسئله ۱۳۰. اگر کسی با روزه گرفتن احساس ضعف کند، نباید افطار کند، گرچه ضعفش زیاد باشد؛ ولی اگر روزه برای او طاقت‌فرسا و غیر قابل تحمل شد، می‌تواند افطار کند و باید قضای آن را بگیرد.

مسئله ۱۳۱. روزه‌دار نباید برای تشنگی سخت، روزه را بخورد، بلکه باید آن را تحمل کند؛ ولی اگر به قدری تشنه شود که قابل تحمل نباشد، نسبت به حکم روزه چند فرض دارد: ۱. این تشنگی، به گونه‌ای است که اگر مایعی ننوشد، خوف تلف یا ضرر خیلی مهم دارد، پس واجب است به اندازه ضرورت - نه بیش از آن - مایعی بنوشد. ۲. روزه‌گرفتن برای او حرجی باشد؛ یعنی سختی بیش از حد متعارف دارد، پس جایز است به اندازه ضرورت و رفع حرج - نه بیش از آن - مایعی بنوشد و در هر دو صورت، روزه او باطل می‌شود و اگر ماه رمضان است،

در بقیه روز باید به رسم ادب، امساک کند و برای هر روزه، یک چارک طعام، فدیة پرداخت کند و روزه را قضا نماید.

احکام افطار اجباری

مسئله ۱۳۲. اگر چیزی را به اجبار در گلوی روزه‌دار بریزند و از حلق او فرو رود، یا سر او را به زور در آب فرو برند - که او مورد فعل باشد؛ نه مصدر آن - روزه او صحیح است؛ ولی اگر او را وادار و اکراه کنند که روزه خود را باطل کند - مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری، خسارت جانی یا مالی می‌بینی و او برای پیشگیری از ضرر، به اختیار خود چیزی بخورد - در این صورت، شخص مصدر فعل است، نه مورد آن و روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۳۳. اگر روزه‌دار بدانند با رفتن به مکانی، او را وادار به روزه‌خواری می‌کنند، رفتن به آنجا حرام است و اگر رفت و وادار به افطار شد، روزه او باطل است و قضا و کفاره دارد.

مسئله ۱۳۴. اگر روزه‌دار بدانند که با رفتن به استخر و مانند آن، سر او در حال شنا کردن، بی‌اختیار در آب فرو می‌رود، یا مقداری آب از حلق او فرو می‌رود، نباید به آنجا برود؛ اگر برود و سرش در آب فرو رود، یا آب از حلق او فرو رود، روزه او باطل

می‌شود و قضا و کفّاره دارد.

حکم روزه مستحب با فرض روزه واجب

مسئله ۱۳۵. کسی که روزه قضا یا ماه رمضان یا روزه واجب دیگری مانند روزه نذر و کفّاره برعهده دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد، مگر اینکه نتواند روزه واجب بگیرد؛ مانند مسافر که نمی‌تواند روزه واجب بگیرد؛ همچنین در مدینه منوره می‌تواند برای برآورده شدن حاجت، سه روز، روزه مستحب بگیرد.

مسئله ۱۳۶. کسی که روزه واجب برعهده دارد و فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، چنانچه پیش از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید، روزه او باطل است و در صورتی که پس از مغرب یادش بیاید، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۳۷. کسی که روزه واجب برعهده دارد، می‌تواند نذر کند که روزه مستحب بگیرد و نذر او صحیح است؛ ولی وفا به نذر - که واجب است - باید پس از به‌جا آوردن روزه واجب باشد.

مسئله ۱۳۸. اگر کسی برای به‌جا آوردن روزه واجب اجیر شده،

احتیاط این است که روزه واجب آن مستأجر را اول انجام دهد و سپس روزه مستحبی بگیرد.

امور مکروه برای روزه‌دار

مسئله ۱۳۹. امور زیر برای روزه‌دار مکروه است:

۱. بوسیدن همسر؛ لمس او؛ به خیال آوردن صورت او؛ نگاه شهوت‌انگیز به او بدون قصد انزال منی، در صورتی که این کارها به صورت عادی باعث خروج منی از او نشده و منی هم خارج نشود.
۲. مکیدن چیزی مانند عقیق یا مکیدن زبان طفل، اگر با رطوبت دهانش همراه نباشد و به حلق فرو نرود.
۳. جویدن غذا برای تغذیه طفل؛ دندان زدن و خُرد کردن غذا برای پرندگان.
۴. جویدن چیزی مانند سقز یا آدامس، هرچند مزه و بوی دهان را تغییر دهد، در صورتی که با موادی همراه نباشد.
۵. چشیدن غذا برای ادراک مزه آن؛ ولی فرو بردن آن، روزه را باطل می‌کند.
۶. مسواک کردن، به شرط اینکه مسواک خشک باشد؛ یا

- آب مسواکِ تر، از حلق فرو نرود.
۷. سرمه کشیدن و دارو ریختن در چشم، هرچند در حلق، اثر آن را حسّ کند.
۸. انفیه ریختن در بینی.
۹. بوییدن گل‌ها و هر بویی؛ به ویژه گل نرگس.
۱۰. تَر کردن لباس و پوشیدن آن برای خنک شدن؛ همچنین نشستن در آب.
۱۱. حمّام رفتنی که ایجاد ضعف کند.
۱۲. خون گرفتن با حجامت که سبب ضعف شود؛ همچنین هر عملی که ضعف‌آور باشد.

قضا و کفّاره

مسئله ۱۴۰. در روزه ماه رمضان، انجام دادن عمدی و اختیاری کاری که روزه را باطل می‌کند، موجب قضا و کفّاره است؛ مثلاً اگر دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ، فرو بردن تمام سر در آب و قی کردن، با علم و عمد و اختیار انجام گیرد، قضا و کفّاره دارد؛ ولی جُنُب در شب ماه رمضان، اگر از خواب دوم به بعد تا صبح خواب بماند، روزه او قضا دارد؛ اما کفّاره ندارد،

چون ملاک کفّاره، افطار عمدی و اختیاری است و در اینجا افطاری نیست.

مسئله ۱۴۱. اگر روزه‌دار با ندانستن مسئله، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بنا بر اقوا کفّاره بر او واجب نیست، پس اگر روزه‌دار به خیال اینکه جماع کردن با همسر در حال روزه حلال است، با او آمیزش کند، کفّاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۴۲. چنانچه روزه‌دار در روزه واجب، شک دارد که مغرب شده یا نه و افطار کند، قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود؛ ولی اگر بر اثر عوامل طبیعی و تاریکی هوا فکر کرده مغرب شده و افطار کند و سپس متوجه شود که مغرب نبوده، روزه او صحیح است و قضا ندارد.

مسئله ۱۴۳. کسی که به قصد روزه واجب غیر ماه رمضان، مانند روزه نذری یا استیجاری، سحری خورده، درحالی که صبح بوده، روزه او باطل است.

مسئله ۱۴۴. روزه‌های واجبی که باطل کردن آن‌ها کفّاره دارد، چنین‌اند: ۱. روزه ماه رمضان. ۲. روزه قضای ماه رمضان. ۳. روزه نذر روز معین. ۴. روزه اعتکاف.

انواع کفاره

مسئله ۱۴۵. کفاره باطل کردن عمدی روزه ماه رمضان، یکی از این سه کار است: ۱. دو ماه روزه گرفتن، که ۳۱ روز آن پیاپی باشد. ۲. یک بنده آزاد کردن. ۳. ۶۰ فقیر را سیر کردن که به هر فقیر یک چارک (ده سیر) طعام غالب آن بلد پرداخت می‌شود و مستحب است به هریک از ۶۰ فقیر ۲ چارک بپردازند. اگر کسی از انجام دادن آن عاجز باشد، باید چیزی صدقه بدهد و استغفار کند.

مسئله ۱۴۶. اگر با کار حرام - مثل خوردن شراب یا عمل زنا - روزه را به عمد باطل کند، به احتیاط واجب، کفاره جمع دارد؛ یعنی هر سه کار یادشده در مسئله قبلی را باید انجام دهد.

مسئله ۱۴۷. اگر روزه قضای ماه رمضان را بعد از ظهر باطل کند، باید ۱۰ فقیر را سیر کند و اگر نتوانست ۱۰ نفر را سیر کند، ۳ روز روزه بگیرد.

مسئله ۱۴۸. اگر نذر کند در روز معینی - مثل روز جمعه - روزه بگیرد، چنانچه عمداً روزه خود را در آن روز باطل کند، باید

کفّارهٔ یمین پردازد؛ یعنی ۱۰ مسکین را اطعام کند؛ یا ۱۰ مسکین را بپوشاند و یا ۱ بنده آزاد کند و در صورتی که هیچ کدام از این سه کار برایش مقدور نباشد، باید ۳ روز روزه بگیرد. مسئله ۱۴۹. اگر معتکف، مرتکب عمل جماع شود، چه در روز باشد یا شب، باید کفاره بدهد و کفّارهٔ آن، یکی از سه چیز است؛ یعنی ۱ بنده آزاد کند، یا ۲ ماه روزه بگیرد، یا ۶۰ فقیر را سیر کند.

مسئله ۱۵۰. اگر کسی عمداً روزهٔ ماه رمضان را افطار کند و سپس به حدّ شرعی سفر کند، چه برای فرار از کفّاره باشد یا نه، قضا و کفّاره بر او واجب است.

مسئله ۱۵۱. کسی که روزهٔ ماه رمضان را به عمد افطار کند و سپس عذر روزه‌داری مانند بیماری، حیض، جنون، مسافرت و مانند آن برای او پدید آید، کفّارهٔ افطار عمدی ساقط نیست؛ یعنی یکی از سه کار یادشده (در مسئله ۱۵۲) بر او واجب است.

مسئله ۱۵۲. اگر روزه‌دار با همسر خود که روزه دارد در روز ماه رمضان با رضایت او آمیزش کند، قضا و کفّاره بر هر دو

واجب است و به جهت معصیتی که کرده‌اند، باید تعزیر شوند.
مسئله ۱۵۳. اگر مرد با اجبار، از زن سلب اختیار کند و با او آمیزش کند و زن از اول تا آخر راضی به این عمل نباشد، مرد معصیت کرده و علاوه بر قضا باید دو کفاره بدهد و تعزیر شود؛ ولی روزه زن باطل نمی‌شود و کفاره و تعزیر ندارد.

مسئله ۱۵۴. اگر در حال روزه ماه رمضان، مرد با زن خود آمیزش کند و زن ابتدا راضی به این کار باشد؛ ولی در ادامه عمل ناراضی باشد، مرد و زن هر دو باید کفاره بدهند و تعزیر شوند و قضا را به جا آورند.

مسئله ۱۵۵. اگر مرد با همسر خود در روزه رمضان آمیزش کند و زن ابتدا راضی نباشد، ولی در ادامه راضی شود، مرد باید دو کفاره بدهد و تعزیر شود و زن باید قضای روزه را بگیرد.

مسئله ۱۵۶. اگر زن در روزه ماه رمضان، شوهرش را وادار کند که با او آمیزش کند، زن معصیت کرده و علاوه بر قضا باید یک کفاره بدهد.

مسئله ۱۵۷. اگر در ماه رمضان مرد مسافر باشد، یا با داشتن عذری دیگر، روزه نداشته باشد، نباید همسر روزه‌دار خود

را به آمیزش وادار کند؛ ولی اگر مرتکب چنین عملی شد، کفّاره ندارد.

مسئله ۱۵۸. دادن کفّاره، واجب فوری نیست؛ ولی مکلف نباید به گونه‌ای تأخیر بیندازد که مایه سستی و بی‌اعتنائی به امر خدا شود.

مسئله ۱۵۹. اگر کسی برای باطل کردن عمدی روزه ماه رمضان کفّاره‌ای به عهده او باشد، دیگری نمی‌تواند تبرعاً به نیابت از او، از عهده کفّاره برآید؛ مثلاً به جای او ۶۰ روز روزه بگیرد.

مسئله ۱۶۰. در اطعام به ۶۰ فقیر، باید به هر کدام، ۱ چارک پرداخت شود و فرقی بین بچه و بزرگسال نیست و نمی‌توان به یک نفر، دو سهم یا بیشتر پرداخت کرد.

مواردی که قضا دارد و کفّاره ندارد و برخی مواردی که قضا هم ندارد

مسئله ۱۶۱. اگر جُنُب با تصمیم بر غسل کردن بخوابد و پس از خواب اول یا دوم یا سوم بعد از اذان صبح بیدار شود، روزه او باطل است و فقط قضا دارد.

مسئله ۱۶۲. کسی که در ماه رمضان قصد روزه ندارد، اما از

اول صبح تا غروب چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۶۳. شخصی که قصد روزه کرده، ولی در بین روز، از نیت روزه برگردد، یا قصد کرده مثلاً آب بخورد، اما آبی نخورده باشد، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۶۴. جنبی که غسل جنابت را فراموش کند و چند روز در حال جنابت روزه بگیرد، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۶۵. کسی که عادتش بر این است که هنگام بازی کردن با همسر، منی از او خارج می‌شود و با انجام دادن چنین کاری منی از او خارج شود، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۶۶. کسی که با اعتماد بر خبر دو عادل یا یک عادل، مبنی بر اینکه مغرب شده، روزه‌اش را افطار کند و سپس معلوم شود مغرب شرعی نبوده است، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۶۷. کسی که بدون تحقیق از صبح شدن یا با اعتماد بر خبر شخص غیر کارشناس، مشغول خوردن سحری

شود، یا بر اثر عواملی مانند نابینایی، متوجه طلوع فجر نشده، یا در آن شک داشته و مشغول خوردن سحری باشد و سپس متوجه شود که صبح شده، روزه او باطل است و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

مسئله ۱۶۸. کسی که در سحرگاه با تحقیق و نگاه به افق اطمینان پیدا کند صبح نشده، یا دو عادل کارشناس شهادت دهند که صبح نشده و او سحری بخورد، در حالی که صبح بوده، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۶۹. در همه موارد یادشده که روزه او باطل بوده، باید تا مغرب به رسم ادب، چیزی که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد.

مسئله ۱۷۰. بیماری که در ماه رمضان نتوانسته روزه بگیرد و پس از ماه رمضان بهبود یافته، باید روزه را قضا کند.

احکام روزه قضا

مسئله ۱۷۱. کسی که از چند ماه رمضان، روزه قضا بر عهده دارد و وقت هم وسعت دارد، می‌تواند هرکدام را نیت کند؛ ولی اگر وقت ماه رمضان آخر تنگ باشد - برای مثال - چهار روز روزه قضا بر عهده دارد که دو روز از ماه رمضان

سال‌های قبل و دو روزش مربوط به ماه رمضان سال آخر است و دو روز هم به ماه رمضان مانده باشد - لازم است در نیت، ماه رمضان سال آخر را تعیین کند و اگر تعیین نکند، برای سال‌های قبل حساب می‌شود و برای ماه رمضان سال آخر باید کفاره تأخیر بدهد.

کسانی که روزه بر آنان واجب نیست

۱. مسافران

مسئله ۱۷۲. مسافری که نمازهای چهار رکعتی را باید دو رکعت بخواند، نمی‌تواند روزه بگیرد و در جایی که باید نمازهای چهار رکعتی را تمام بخواند - مانند آن که شغل او مسافرت یا سفر او معصیت است، یا در محلی قصد ماندن ده روز کرده - باید روزه بگیرد.

مسئله ۱۷۳. قانون کلی این است که هر جا نماز شکسته باشد، روزه باطل است، جز در سه مورد: ۱. کسی که بعد از ظهر و پیش از اقامه نماز، از وطن یا محل اقامت خود به سفر غیرشغلی رود، روزه او صحیح؛ ولی نمازش در سفر شکسته است. ۲. مسافری که بعد از ظهر به وطن یا محل اقامت خود

برسد، هرچند قبلاً چیزی نخورده باشد، نمی‌تواند روزه بگیرد؛ ولی نماز او تمام است. ۳. مسافر در مکان‌های مقدس چهارگانه مسجد حرام، مسجد نبی ﷺ، مسجد جامع کوفه و حائر امام حسین سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ بین قصر و اتمام مخیر است؛ ولی نمی‌تواند روزه واجب بگیرد. البته در مدینه اگر مسافر حاجتی دارد، می‌تواند سه روز روزه مستحبی بگیرد و افضل این است که چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه باشد.

مسئله ۱۷۴. مسافری که نداند روزه در سفر باطل است و جهل او تا پایان روز باقی باشد و روزه بگیرد، روزه او صحیح است؛ ولی اگر در بین روز، حتی یک لحظه مانده به غروب، بفهمد که روزه مسافر مشروع نیست، روزه او باطل است.

مسئله ۱۷۵. مسافری که فراموش کند که در ماه رمضان، روزه در سفر باطل است و قصد روزه کند، روزه او صحیح نیست.

مسئله ۱۷۶. مسافرت در ماه رمضان برای انجام دادن کارهای مورد نیاز، اشکالی ندارد. چنانچه برای فرار از روزه در شرایط سخت باشد، کراهت دارد و اگر پس از روز ۲۳ ماه رمضان باشد، کراهتش کمتر است.

مسئله ۱۷۷. کسی که در شب ماه رمضان قصد سفر کرده و

پیش از طلوع فجر یا پیش از ظهر حرکت کرده، روزه را باید بعد از حد ترخص افطار کند؛ چنانچه بعد از ظهر به سفر رفت، باید روزه بگیرد.

مسئله ۱۷۸. کسی که در شب ماه رمضان قصد سفر نداشته و روز تصمیم به سفر گرفت و پیش از ظهر حرکت کرد، مخیر است که روزه را بگیرد؛ یا افطار کند؛ ولی اگر بعد از ظهر حرکت کند، باید روزه بگیرد.

مسئله ۱۷۹. کسی که شب قصد سفر کرد و صبح آماده سفر شد، اما بر اثر مانعی حرکتش تا بعد از ظهر به تأخیر افتاد، باید روزه آن روز و به احتیاط واجب، قضای آن روز را بگیرد.

مسئله ۱۸۰. مسافری که پیش از ظهر به وطن خود یا به جایی رسیده که قصد دارد ده روز در آنجا بماند و چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید با نیت روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۱. کسی که پیش از ظهر ماه رمضان به سفر غیرشغلی می‌رود، باید روزه را پس از حد ترخص افطار کند و اگر بعد از ظهر به سفر رود، باید روزه را ادامه دهد.

مسئله ۱۸۲. کسی که پیش از ظهر برای سفر غیرشغلی از شهر خارج شده؛ ولی بر اثر موانع در محدوده شهر معطل شده و تا رسیدن به حد ترخص، اذان ظهر را گفتند و او بعد از ظهر از

حد ترخص خارج شده، روزه او افطار شده است و پس از ماه رمضان باید آن را قضا کند؛ ولی احتیاط مستحب این است که روزه آن روز را هم بگیرد.

مسئله ۱۸۳. مسافری که در سفر، چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده و پیش از ظهر به محدوده شهر (حد ترخص) رسیده، ولی پیش از رسیدن به شهر، اذان ظهر فرا می‌رسد، باید قبل از ظهر نیت کند و روزه را بگیرد و به احتیاط مستحب، قضا هم به جا آورد.

مسئله ۱۸۴. کسی که در احرام حج، در روز عرفه در عرفات باشد، باید تا مغرب روز نهم در عرفات بماند. اگر پیش از مغرب روز نهم به مشعر برود، باید ۱ شتر به عنوان کفاره قربانی کند. چنانچه در تهیه این شتر قدرت ندارد باید ۱۸ روز روزه بگیرد. این روزه‌ها را اگر در مکه یا در بین راه - که در سفر است - بگیرد، صحیح است.

مسئله ۱۸۵. اگر حاجی در حج تمتع، قربانی نداشته باشد، باید بدل آن ۱۰ روز روزه بگیرد؛ ۳ روز در همان سفر حج - پیش از روز ترویبه (روز هشتم) یا پس از آن - و ۷ روز را بعد از آن، در غیر سفر بگیرد.

۲. بیماران

مسئله ۱۸۶. بیماری که علم یا اطمینان عقلایی داشته باشد که روزه برای او ضرر دارد، یا خوف دارد که از راه روزه‌داری تلف یا ضرر مهم یا شدت مرض برای او پدید آید، به گونه‌ای که تحمّل چنین ضرر حرام باشد، روزه برای او مشروع نیست و اگر بگیرد، صحیح نیست و بر وی واجب تکلیفی است که به قدر ضرورت افطار کند؛ ولی اگر فقط گمان دارد، یا احتمال بدهد که روزه برای او ضرری است و علم یا اطمینان ندارد، نباید روزه را افطار کند. تشخیص مرض و ضرر در این موارد، بر عهده خود شخص است؛ اما پس از بهبودی و رفع ضرر باید روزه را قضا کند.

مسئله ۱۸۷. اگر بیمار ضرر روزه را تشخیص نداد و خوف از ضرر هم نداشت، یا بی‌توجه به ضرر آن، روزه گرفت، روزه او صحیح است و قضا ندارد.

مسئله ۱۸۸. اگر بیماری روزه گرفت و سپس معلوم شد روزه برای او ضرر داشت، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۸۹. اگر طبیب به مریض بگوید که روزه برای شما ضرر دارد، ولی به تشخیص بیمار، روزه برای او ضرر ندارد، باید

روزه بگیرد و چنانچه طبیب بگوید که روزه برای شما ضرر ندارد، ولی به تشخیص بیمار، روزه برای او ضرر دارد، نباید روزه بگیرد.

مسئله ۱۹۰. عطاش، نوعی بیماری علاج‌نشدنی است که شخص مبتلای به آن باید پی در پی آب بنوشد و چنین شخصی معذور است و روزه بر او واجب نیست؛ ولی برای هر روز باید ۱ چارک طعام، فدیة پرداخت کند.

مسئله ۱۹۱. اگر بیمار پیش از ظهر از بیماری خوب شود و تا آن وقت، غذا و دارویی نخورده باشد و نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

۳. زنان باردار و شیرده

مسئله ۱۹۲. زن بارداری که روزه برای او یا فرزندش ضرر دارد، باید افطار کند و قضای آن را به جا آورد و برای هر روز ۱ چارک طعام کفاره بدهد.

مسئله ۱۹۳. زنی که بچه شیر می‌دهد و روزه گرفتن برای او یا کودک وی ضرر دارد، اگر جایگزینی برای شیر دادن کودک ندارد، می‌تواند روزه را افطار کند و قضای آن را بگیرد و واجب است برای هر روز ۱۰ سیر طعام صدقه بدهد.

۴. کودکان

مسئله ۱۹۴. از شرایط وجوب روزه، بلوغ است، پس بر کودکانی که به حدّ بلوغ شرعی نرسیده‌اند، روزه واجب نیست؛ ولی اولیای پسر و دختر نابالغ باید آنان را آموزش و تمرین روزه بدهند. اگر کودک توان روزه گرفتن را دارد، روزه او صحیح و مشروع است.

مسئله ۱۹۵. کودکی که پیش از ظهر ماه رمضان بالغ شده و تا آن لحظه، چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، هرچند روزه آن روز بر او واجب نیست و اگر افطار کند، قضا ندارد؛ ولی اگر روزه بگیرد، روزه او صحیح است.

۵. سالخوردهگان

مسئله ۱۹۶. پیری که هیچ‌گونه توان روزه گرفتن ندارد، روزه برای او مشروع نیست و کفّاره هم ندارد و اگر بگیرد، صحیح نیست؛ همچنین پیری که روزه برای او حرج و مشقّت شدید ندارد؛ امّا دشوار است - یعنی بیش از دیگران ضعف پیدا می‌کند - روزه گرفتن بر او واجب نیست و قضا ندارد؛ ولی واجب است برای هر روز، ۱ چارک طعام، صدقه بدهد و افضل

این است که از گندم باشد.

۶. دیوانه و بیهوش

مسئله ۱۹۷. در وجوب و نیز در صحت روزه، عقل شرط است، بنابراین روزه بر مجنونی که جنون او دائمی یا دوره‌ای است، واجب نیست، پس اگر کسی در تمام شب و روز، یا در تمام روز دیوانه باشد، روزه بر او واجب نیست؛ ولی اگر فقط شب دیوانه و روز سالم باشد، روزه بر او واجب است.

مسئله ۱۹۸. کسی که فاقد قصد است - مانند مست، بیهوش و خوابیده - اگر در وقت نیت روزه و در طول روز، توانایی قصد روزه را ندارد، روزه او صحیح نیست.

مسئله ۱۹۹. کسی که به وقت نیت روزه و در طول روز مست یا خوابیده بوده - که در این حالت روزه او فوت می‌شود - اگر حالت عادی خود را بازیافته، باید روزه‌های فوت شده را قضا کند؛ ولی دیوانه‌ای که سلامت را بازیافته، روزه فوت شده او قضا ندارد؛ همچنین بیهوشی که سلامت را بازیافته و به هوش آمده باشد، روزه اش قضا ندارد، هرچند مستحب است که قضا کند.

مسئله ۲۰۰. کسی که بر اثر دارو یا عامل دیگری بیهوش شده است، حکم شخص خوابیده را دارد، پس اگر در وقت نیت و پیش از بیهوشی نیت روزه کرده و بیهوش شود، روزه او صحیح است.

احکام روزه مسافر و بیمار

مسئله ۲۰۱. کسی که بر اثر مرض یا سفر، روزه ماه رمضان را افطار می‌کند، کراهت دارد به اندازه سیرشدن، غذا بخورد یا آب بیاشامد؛ همچنین مستحب است آمیزش با همسر را در روز ترک کند.

آدابی درباره روزه و ماه رمضان

مسئله ۲۰۲. از آداب افطار این است که نماز مغرب پیش از افطار خوانده شود؛ ولی اگر گروهی منتظر روزه‌دار باشند، ابتدا با آنها افطار کند و سپس نماز بخواند.

مسئله ۲۰۳. مستحب است در ماه رمضان در موارد زیر - که روزه صحیح نیست - از انجام دادن کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری شود:

۱. مسافری که در سفر روزه خود را باطل کرده و پیش از

- ظهر به وطن یا به محل اقامه ده روز برمی‌گردد.
۲. مسافری که بعد از ظهر به وطن یا به محل اقامه ده روز برمی‌گردد.
۳. بیماری که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام داده باشد.
۴. بیماری که بعد از ظهر خوب شود، هرچند تا آن ساعت چیزی نخورده باشد.
۵. کافری که در روز ماه رمضان مسلمان شود.
۶. زنی که در میان روز از خون حیض و نفاس پاک شود.

انکار وجوب روزه و ترک آن

مسئله ۲۰۴. وجوب روزه از ضروریات^۱ دین اسلام است. اگر کسی از روی عمد و آگاهی، وجوب آن را انکار کند، به گونه‌ای که بداند به انکار و تکذیب اصلی از اصول دین - یعنی وحی و رسالت پیامبر اکرم ﷺ - باز می‌گردد، مرتد

۱. ضروری دین، یعنی مسئله به قدری روشن است که همگان آن را می‌دانند - مانند وجوب نماز - نه اینکه قشر خاصی مثل فقها و تحصیل‌کرده‌ها آن را بدانند.

خواهد شد و اگر چنین نیست، این انکار فسق است و موجب ارتداد نیست؛ همچنین اگر تردیدی در میان باشد که آیا انکار او موجب انکار یکی از اصول دین است یا نه، حکم به ارتداد او نمی‌شود.

مسئله ۲۰۵. ملاک تشخیص ترک کردن روزه - که از روی انکار است یا غیر آن - پرسش از تارک روزه است.

مسئله ۲۰۶. مردی که با انکار وجوب روزه مرتد شد، اگر مرتد ملی باشد، او را توبه می‌دهند و اگر توبه نکرد، حکم خاص خودش را دارد و اگر مرتد فطری باشد، حکمش اعدام است و همسر او باید عدّه وفات نگهدارد. چنانچه خانمی مرتد شود - چه فطری و چه ملی - اعدام نخواهد شد و او را توبه می‌دهند.

مسئله ۲۰۷. کسی که بدون انکار وجوب روزه و بدون عذر، با علم و عمد، روزه ماه مبارک رمضان را نمی‌گیرد، هرچند قضا و کفّاره بر او واجب است؛ ولی چون معصیت کرده، فاسق است و چون هر معصیتی که حدّ نداشته باشد حکم به تعزیر دارد، در اینجا هم تعزیر می‌شود. اندازه تعزیر به این صورت است: اگر روزه‌دار در روز ماه مبارک رمضان، با همسرش آمیزش

عمدی کند، تعزیر او به ۲۵ ضربه تازیانه است؛ چنانچه دیگر مفطرات را به عمد انجام دهد، مقدار تعزیر او به نظر حاکم شرع است.

مسئله ۲۰۸. اگر در ماه مبارک رمضان مشاهده شود که کسی روزه می خورد، ولی معلوم نیست که از روی علم و عمد روزه می خورد یا معذور است، در این صورت، تعزیر نخواهد شد. چنانچه ثابت شود که افطار او عمدی و بدون عذر است، حاکم شرع او را تعزیر می کند.

مسئله ۲۰۹. حکم تعزیر، مربوط به خود افطار است، بنابراین اگر کسی در روز چند بار افطار کرده است و پس از هر بار به محکمه شرعی برده نشد، یک بار تعزیر می شود.

مسئله ۲۱۰. کسی که در ماه مبارک رمضان عمداً افطار کرد و در محکمه، به تعزیر محکوم و بر او اجرا شد بار دوم نیز روزه خواری کرد و محکوم به تعزیر شد و بر او جاری شد، اگر در مرتبه سوم هم روزه بخورد، مستحق حکم اعدام است، اگرچه احتیاط این است که حکم اعدام برای مرتبه چهارم باشد.

مسئله ۲۱۱. اگر روزه دار در روز ماه مبارک رمضان همسرش را به آمیزش مجبور کند، علاوه بر کفاره، به ۲۵ ضربه شلاق به

جهت افطار عمدی و ۲۵ ضربه به سبب اجبار همسرش تعزیر می‌شود و اگر همسرش راضی به این عمل بود، هرکدام از آنها به ۲۵ ضربه تازیانه تعزیر می‌شوند.

ثابت شدن اول ماه

مسئله ۲۱۲. ثبوت هلال که به مشخص شدن اول ماه قمری گفته می‌شود، هنگامی است که اولین قوس نازک ماه پس از پایان ماه قبلی و در شب اول ماه بعدی رؤیت شود یا رؤیت‌پذیر باشد و این هم به عوامل و شرایط مختلف نجومی، جوی و مبانی فقهی بستگی دارد.

مسئله ۲۱۳. به لحاظ اینکه زمان حکم شرعی روزه‌داری و افطار آن، ماه و ثابت شدن آن است، اگر مکلف واقعا هلال ماه را دیده باشد، یا از راه‌های دیگری که در مسئله بعدی گفته می‌شود، برای او هلال ماه ثابت شود، احکام مربوط به آن را انجام می‌دهد؛ خواه برای دیگران ثابت بشود یا نه و این مسئله، تقلیدی نیست.

مسئله ۲۱۴. اول ماه از شش راه ثابت می‌شود که چهار مورد آن اعتبار عقلی و دو راه دیگر اعتبار تعبّدی دارد:

۱. خود شخص، هلال ماه را ببیند.
۲. از راه تواتر ثابت شود، به گونه‌ای که همگان بگویند ماه دیده شده و در محاورات عقلاً قطع آور باشد.
۳. از راه شیاع قولی یا عملی ثابت شود، به گونه‌ای که مردم شهر بفهمند که فلان روز، اول ماه رمضان یا سؤال است برای مثال، وقتی در پایان ماه شعبان ببینند اغذیه‌فروشی‌ها و کافه‌ها تعطیل است و کسی لب به غذا نمی‌زند، معلوم می‌شود که آن روز، آغاز ماه رمضان است. این شیاع، علم آور است و شیاع علم آور، حجیت دارد.
۴. سی شب - یا سی روز - از اول ماه قبلی بگذرد. با هر یک از این چهار راه، یقین به اول ماه پیدا می‌شود.
۵. دو فرد عادل شهادت بدهند که ماه را به چشم دیده‌اند، در صورتی که وصف کردن هر کدام از هلال، برخلاف وصف کردن دیگری نباشد؛ همچنین اطمینانی برخلاف آن نباشد، بنابراین اگر در هوای صاف، افرادی همانند دوعادل برای دیدن ماه رفتند، ولی ماه را ندیدند، ادعای رؤیت دوعادل برای غیرخودشان حجت نیست، چون اگر قابل رؤیت بود، باید دیگران هم می‌دیدند، پس اطمینان برخلاف در میان است.

۶. حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. دو راه پنجم و ششم، یقین آور هم نباشند، به حکم شرع حجّت اند.

مسئله ۲۱۵. حکم حاکم در رؤیت هلال ماه، برای همگان، حتی خود او و مجتهدان دیگر حجّیت دارد و مخالفت با آن مطلقاً حرام است، مگر آنکه خلاف حکم حاکم ثابت شود؛ مانند اینکه منشأ حکم، اشتباه باشد. برای مثال، می‌دانیم دو عادل که نزد حاکم به دیدن ماه شهادت داده‌اند، فاسق بودند؛ یا شهادت دو عادل براساس محاسبه ریاضی و حدس بوده نه حسّ (دیدن)؛ یا در تطبیق رؤیت، خطا شده است؛ یا حکم حاکم برخلاف مبنای خود اوست؛ مثلاً حاکم مبنایش در قبول شهادت، حضور دو عادل است و در اینجا با شهادت یک عادل حکم کرده است.

مسئله ۲۱۶. کسی که اول ماه رمضان برای او ثابت نشد و روزه را نگرفت، سپس دو عادل شهادت دادند که اول ماه بوده، باید قضای آن را به‌جا آورد.

مسئله ۲۱۷. با شهادت یک عادل، اگر قسَم هم به آن ضمیمه شود، هلال ماه ثابت نمی‌شود؛ همچنین با شهادت دو کودک ممیّز، رؤیت هلال ثابت نمی‌شود، چون عنوان رجل بر

آن‌ها صادق نیست.

مسئله ۲۱۸. گمان به رؤیت هلال، هرچند قوی هم باشد، مطلقاً حجّت نیست؛ ولی برای اسیر و زندانی که راه یقینی برای ثبوت هلال ندارد، حجّت است.

مسئله ۲۱۹. شفق یا حمرة مغربیه، همان سرخی طرف مغرب آسمان است که پس از غروب خورشید دیده می‌شود و به تدریج از بین می‌رود. تَطَوُّق (پیدا بودن حلقه ماه) یا ماندن ماه در آسمان تا بعد از شفق، نشانه و اماره شرعی بر شب دوم بودن ماه نیست؛ همچنین دیدن هلال در پیش از ظهر روز ۳۰ ماه نمی‌تواند نشانه فطر بودن آن روز باشد.

مسئله ۲۲۰. معیار اول ماه قمری، آن است که فاصله و نسبت ماه و آفتاب، فاصله و نسبت ماه و زمین و مجموع این دو نسبت به قدری باشد که دیدن ماه به صورت عادی امکان‌پذیر باشد، بنابراین راه ثبوت اول ماه، امکان دیدن با چشم غیرمسلح است. دوربین و تلسکوپ می‌توانند نور ماه را از برخی موانع جوّی عبور داده و دیدن هلال را آسان کنند؛ همان‌گونه که عینک یا ذره‌بین در دیدن، به چشم ضعیف کمک می‌کند، بنابراین مشاهده هلال از پشت دوربین یا تلسکوپ - که در

آسان دیدن مؤثراند نه در اصل دیدن - موجب ثبوت اول ماه است.

مسئله ۲۲۱. اگر منجم با حساب دقیق ریاضی، یقین یا اطمینان پیدا کرده که نسبت‌های سه‌گانه یادشده در مسئله قبلی به گونه‌ای است که در صورت نبودن مانع - مانند غبار و ابر- ماه دیده می‌شود، اول ماه برای او ثابت است.

مسئله ۲۲۲. با افزایش ارتفاع از سطح زمین، عوامل مزاحم جوی رؤیت هلال کاهش می‌یابند، ازاین‌رو رفتن به ارتفاعات، رؤیت‌پذیری هلال را آسان‌تر می‌کند، بنابراین استفاده از ابزارهای مانند هواپیما برای رؤیت هلال - که همسطح با ارتفاعات حرکت می‌کند - اشکالی ندارد.

مسئله ۲۲۳. تلگراف، تلفن، رسانه‌های گروهی صوتی و تصویری و روزنامه‌ها، اگر در انتقال رأی مجتهدان و حکم حاکم شرع طمأنینه و اطمینان خاطرآور باشند، حجت هستند.

مسئله ۲۲۴. اگر هلال ماه در شهری اثبات شود، در شهرهای دیگر که نزدیک آن، یا هم‌افق با آن باشند، ثابت می‌شود.

مسئله ۲۲۵. ثابت شدن اول ماه برای بلاد شرقی، موجب

ثبوت آن برای بلاد غربی است؛ ولی اگر در بلاد غربی ثابت شود، تنها برای آن دسته از بلاد شرقی ثابت می‌شود که بر اثر نزدیکی افق، در مقداری از شب، با هم شریک باشند.

مسئله ۲۲۶. در سرزمین‌های قطبی - یعنی در منطقه‌ای که چند ماه شب و چند ماه روز است - افراد برای اوقات روزه و نماز شبانه‌روز، شب قدر و دیگر اوقات خاص که احکام شرعی دارد، به یکی از بلاد متعارف رجوع می‌کنند و زمان را با آن مکان هماهنگ و به عنوان شب و روز تقسیم و تنظیم می‌کنند و احکام و عبادات را انجام می‌دهند.

مسئله ۲۲۷. اگر دو مؤذن قابل اطمینان باشند، اذان آنان آماره شرعی بر وقت است.

زکات فطره

مسئله ۲۲۸. کسی که موقع مغرب شب عید فطر بالغ، عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده دیگری نیست، باید برای خود و کسانی که نانخور او هستند، زکات فطره بپردازد.

مسئله ۲۲۹. مقدار زکات فطره برای هرنفیری حدود سه کیلو گندم، جو، برنج، خرما، کشمش و مانند آنها؛ یا قیمت آنهاست که در هر مکانی، قیمت خاص خود را دارد.

مسئله ۲۳۰. کسی که مخارج سال خود و کسانی را که در خرج او هستند ندارد و کسب و حرفه‌ای نیز ندارد تا بتواند هزینه سال خود و عائله‌اش را از آن راه بگذراند، فقیر است و پرداختن زکات فطره بر او واجب نیست.

مسئله ۲۳۱. کسی که هنگام مغرب شب عید فطر دیوانه باشد، زکات فطره بر او واجب نیست.

مسئله ۲۳۲. اگر کودک، پیش از مغرب یا مقارن آن بالغ شود، یا دیوانه عاقل شود، یا فقیر بی‌نیاز گردد، چنانچه شرایط وجوب زکات فطره را دارا باشد و نانخور دیگری نباشد، باید فطریه بپردازد.

مسئله ۲۳۳. کسی که حقوق‌بگیر است و تا ظهر روز عید حقوقش را نگرفته و پولی برای پرداختن زکات فطره ندارد، قرض کردن بر او واجب نیست؛ هرچند اگر قرض کند و زکات فطره را ادا نماید صحیح است. البته اگر قرض نکرده باشد، پس از دریافت حقوق باید زکات فطره را بپردازد.

حلال بودن زکات فطره

مسئله ۲۳۴. کسی که با مال حرام مانند ربا، رشاء، اختلاس و...، عائله یا مهمان را غذا می‌دهد، واجب است که با مال حلال، زکات فطره خود و همه آنها را بپردازد.

فطره مهمان

مسئله ۲۳۵. فرض‌های فطره مهمان چنین است: ۱. اگر مهمان و میزبان هر دو فقیر باشند، زکات فطره بر هیچ‌کدام واجب نیست. ۲. چنانچه میزبان غنی و مهمان فقیر باشد،

زکات فطره مهمان فقیر بر میزبان واجب است. ۳. اگر میزبان فقیر و مهمان غنی باشد، زکات فطره بر میزبان واجب نیست و بر مهمان واجب است که احتیاطاً زکات فطره خود را پردازد. ۴. هرگاه میزبان و مهمان هر دو غنی باشند و میزبان زکات فطره را پردازد، بر مهمان واجب نیست که زکات فطره خود را پردازد، زیرا آن که زکات فطره بر او واجب شده با پرداختنش معصیت کرده است و بر مهمان هم اصلاً واجب نشده است، هر چند احتیاط این است که مهمان زکات فطره خود را پردازد و احتیاط کامل، آن است که نیت برائت ذمه کسی را که زکات بر او واجب شده، بکند. ۵. زکات فطره شخصی که اول مغرب شب عید (نه غروب آن) نانخور کسی شود - چه با رضایت او وارد شود، یا بدون رضایت وی - بر او واجب است. صرف خوردن نان میزبان در شب عید فطر، کافی نیست؛ بلکه باید نانخور او حساب شود، بنابراین مهمانی که فقط افطار کسی را می خورد و نانخور او شمرده نمی شود، فطریّه او بر میزبان واجب نیست.

مسئله ۲۳۶. زکات فطره مهمانی که بعد از مغرب شب عید فطر وارد می شود، بر صاحب خانه واجب نیست، اگرچه پیش از مغرب او را دعوت کرده و در خانه وی هم افطار کند.

مصرف زکات فطره

مسئله ۲۳۷. اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که برای زکات مال گفته شد برسانند کافی است؛ ولی احتیاط مستحب، آن است که فقط به فقرای شیعه پردازند.

مسئله ۲۳۸. اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می‌تواند فطره را به مصرف او برساند؛ یا با پرداختن به ولیّ طفل، ملک طفل نماید.

شرایط مصرف کننده

مسئله ۲۳۹. فقیری که فطره به او می‌پردازند، لازم نیست عادل باشد؛ ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند، فطره نپردازند؛ نیز به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطره پردازند.

مسئله ۲۴۰. مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدارد؛ سپس همسایگان فقیر را، آن‌گاه اهل علم فقیر را؛ ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است که آن‌ها را مقدم بدارد.

مسئله ۲۴۱. اگر کسی بگوید فقیرم، نمی‌توان به او فطره

داد، مگر آنکه اطمینان حاصل شود؛ یا از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است؛ یا انسان بداند قبلاً فقیر بوده است.

فطره به سادات

مسئله ۲۴۲. مصرف زکات فطره، اگر غیر از فقیر و مسکین - یعنی یکی از موارد شش گانه دیگر - باشد فرقی بین زکات دهنده سیّد و غیر سیّد نیست و اگر مصرف آن، فقیر یا مسکین باشد، می توان زکات فطره سیّد را به سیّد و غیر سیّد پرداخت کرد.

مسئله ۲۴۳. کودکان، معلولان و افراد بی سرپرستی که در آسایشگاه به سر می برند و سیّد هستند، می توان زکات سیّد را به مصرف غذا و داروی آنها رساند.

مسئله ۲۴۴. کسی که سیّد نیست، نمی تواند فطره خود را به سیّد پردازد؛ حتی اگر سیّدی نانخور او باشد، نمی تواند فطره او را به سیّد پردازد.

مسئله ۲۴۵. معیار در این مسئله، آن کسی است که هزینه زندگی برعهده اوست.

نیت فطره

مسئله ۲۴۶. انسان باید زکات فطره را به قصد قربت؛ یعنی

برای انجام دادن فرمان خدای عالم بپردازد و موقعی که آن را می‌پردازد، نیت فطره نماید.

زمان پرداختن زکات فطره

مسئله ۲۴۷. کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بپردازد؛ یا کنار بگذارد، به صورتی که به منزله پرداخت نمودن حساب شود؛ ولی اگر نماز عید نمی‌خواند، می‌تواند پرداختن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد.

مسئله ۲۴۸. اگر در موقع پرداختن زکات فطره واجب، فطره را نپردازد و کنار هم نگذارد، احتیاط واجب آن است که بعداً بدون اینکه نیت ادا و قضا کند، فطره را بپردازد و اگر آن را کنار بگذارد، نمی‌تواند برای خودش بردارد.

مسئله ۲۴۹. اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر یا یکی از مصرف‌های دیگر داشته و پرداختن فطره را تأخیر انداخته، باید عوض آن را بپردازد و اگر دسترسی به فقیر یا مصرف دیگر از مصرف‌های زکات فطره نداشته، ضامن نیست، مگر آنکه در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

مسئله ۲۵۰. پرداختن فطره پیش از عید فطر، چه در ماه

رمضان باشد؛ یا قبل از آن صحیح نیست.
مسئله ۲۵۱. اگر پیش از ماه رمضان یا در بین آن به فقیر
 قرض بدهد و پس از آنکه زکات فطره بر او واجب شد، طلب
 خود را فطره حساب کند، اشکالی ندارد.

جابه‌جایی زکات فطره

مسئله ۲۵۲. در صورتی که زکات فطره را از مال خود جدا
 کرده باشد، اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط
 واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای
 دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بپردازد.

زکات فطره نان‌خوران دولت

مسئله ۲۵۳. سرباز، رزمنده، دانشجو، زندانی و... که
 مخارج آن‌ها را دولت یا اداره آنان می‌پردازد، اگر شرایط وجوب
 زکات فطره (تمکّن مالی) را دارند، پرداختن آن بر خود آنان
 واجب است.